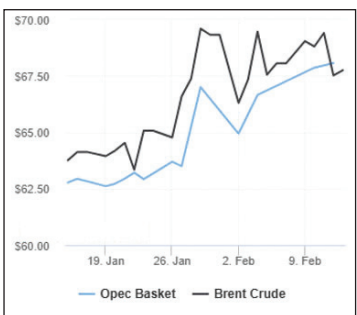




قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال دیروز با ۲۳ سنت معادل ۰.۲۴ درصدافزایش به ۶۷ دلار و ۷۵ سنت رسید به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از رويترز،قیمت نفت کمی افزایش یافته‌است.اطلاعات اقتصادی امریکانشان می‌دهد تورم در این کشور کندتر از حد انتظار رشد کرده که می‌تواند نگرانی‌ها در مورد عرضه را تا حدی جبران کند.این در حالی است که اوپک پلاس به تمایل خود برای آسزگیری افزایش تولید اشاره کرده است.قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال دیروز با ۲۳ سنت معادل ۰.۳۴ درصد افزایش به ۶۷ دلار و ۷۵ سنت رسید.نفت وست تگزاس اینترمیت امریکاهم با ۵ سنت معادل ۰.۰۸ درصد افزایش ۶۲ دلار و ۸۹ سنت معامله می‌شود. هر دوی این شاخص‌های نفتی حدود ۳درصد در روز پنجشنبه کاهش قیمت داشتند و یک کاهش قیمت هفتگی را هم ثبت کردند.نفت برنت حدود ۰.۵ درصد و نفت امریکا ۰ درصد از ارزش خود را طی یک هفته گذشته از دست دادند.گزارش‌های اقتصادی امریکانشان داد شاخص قیمت مصرف کننده در این کشور در ژانویه کمتر از پیش‌بینی‌ها افزایش یافته که تاحدی به‌دلیل پایین آمدن قیمت بنزین و کندی رشد اجارهبها بوده است.بدین ترتیب تحلیلگران انتظار دارند تورم مسیر تثبیت قرار داشته‌باشد و احتمال کاهش بیشتر نرخ بهره در آینده وجود دارد.اما نگرانی‌ها در مورد عرضه نفت ادامه دارد.انتلاف اوپک پلاس احتمال افزایش تولید خود را از ماه آوریل از سر می‌گیرد تا برای تقاضای بالادر تابستان آماده‌شود.این تصمیم می‌تواند فشار بیشتری بر قیمت‌ها وارد کند.قیمت نفت در ابتدای هفته گذشته به‌دلیل نگرانی از تنش‌ها در تنگه‌هرمز تقویت شده‌بود، اما اظهارات روز پنجشنبه ترامپ یعنی بر اینکه واشنگتن ممکن است طی ماه آینده با ایران به توافق برسد باعث کاهش قیمت‌ها شد.روسیه هم در روز جمعه اعلام کرد دور بعدی مذاکرات صلح در مورد اوکراین هفته آینده بر گزار خواهد شد.تحلیلگران عقیده دارند مذاکرات با ایران و روسیه در کوتاه‌مدت محرک اصلی بازار خواهد بود.امریکاهم چنین روز جمعه تحریم‌ها علیه بخش انرژی و زنونلار را کاهش داد و دو مجوز عمومی صادر کرد که به شرکت‌های انرژی جهان اجازه می‌دهد پروژه‌های نفت و گاز را در این کشور اجرا کنند و سایر شرکت‌ها هم برای جذب سرمایه‌گذاری جدید مذاکره داشته‌باشند.

گام‌های اصلاحی دولت و چالش بزرگ انرژی

در حالی که نتیجه نه‌ای آن، افزایش مصرف، کاهش بهره‌وری و از بین رفتن ثروت ملی بوده‌است. ۲) اصلاح قیمت بنزین توسط دولت چهاردهم، اگر قرار است به نتیجه‌ی رسید، باید بخشی از یک بسته جامع باشد به‌بیان دیگر، افزایش یا تعدیل قیمت به تنهایی نمی‌تواند الگوی مصرف را اصلاح کند. تازمانی که سیاست‌های مکرمل، از جمله توسعه حمل و نقل عمومی، بهبود بهره‌وری خودروها و شفاف‌سازی در نحوه بازتوزیع منابع حاصل از اصلاح قیمت‌ها اجرا نشود، نمی‌توان انتظار داشت جامعه‌با این تغییرات همراهی کند. یکی از مشکلات اساسی در سیاستگذاری انرژی، نبود شفافیت در مقصد درآمدهای حاصل از فروش داخلی سوخت است. درآمدهای نفتی، چه از محل صادرات و چه از مصرف داخلی، باید به درستی در حساب سرمایه کشور منعکس شود. در غیر این صورت، به تعبیر او، «ثروت ملی عمده‌ای قابل هدیرفت است.» بهر هر رفتی که، آثار آن در بلندمدت، اقتصاد کشور را با چالش‌های جدی‌تری مواجه خواهد کرد. به‌دسالة اصلاح الگوی مصرف هم مسأله مهمی است. این موضوع صرفاً با ابزار قیمت حل نمی‌شود. اصلاح مصرف نیازمند یک تغییر فرهنگی، آموزشی و ساختاری است. اگر مصرف کننده احساس نکند که افزایش قیمت با بهبود خدمات، کاهش اتلاف و مدیریت عادلانه منابع همراه است، طبیعی است که مقاومت اجتماعی شکل بگیرد.

۳) موضوع مهم دیگر سوزاندن گازهای فلر به عنوان یکی از مصادیق آشکار اتلاف منابع است. این پدیده نه تنها یک اشتباه اقتصادی، بلکه نوعی «جرم علمی» است. گازهای فلری که به صورت مستمر در میادین نفتی و گازی سوزانده می‌شوند، دارای ارزش اقتصادی بالایی هستند و سوزاندن آنها، هم موجب آلودگی محیط‌زیست می‌شود و هم به معنای از دست رفتن منابعی است که می‌توانند در خدمت توسعه کشور قرار گیرند. اگر دولت به دنبال اصلاح واقعی در حوزه انرژی است، باید هم‌زمان به چند محور توجه کند: اصلاح تدریجی و قابل پیش‌بینی قیمت‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع و ایجاد اعتماد عمومی از طریق شفافیت، اجرای ناقص یا مقطعی اصلاحات، نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی بیشتر جامعه منجر شود. از نه‌ایات، اصلاح قیمت بنزین و سیاست‌های انرژی، یک پروژه کوتاه‌مدت یا صرفاً اقتصادی نیست، بلکه تصمیمی راهبردی با پیامدهای اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی است. اگر این اصلاحات بدون اقطاع افکار عمومی و بدون یک نقشه راه روشن انجام شود، هزینه‌های می‌تواند بسیار بیشتر از منافعشان باشد.

نفت و انرژی

با راه اندازی سامانه برخط معاملات برق در بورس انرژی

معاملات آنلاین در بورس انرژی کلید خورد



وی خاطر نشان کرد: در این سامانه، همه ذی‌نفعان بازار بورس انرژی از جمله نیروگاه‌ها، شرکت‌های خریدفروش برق و مشترکان واجد شرایط می‌توانند نسبت به خرید و فروش برق اقدام کنند. این امکان

افشاکری‌های مقام مسوول وزارت نفت از تراستی‌ها:

یش از ۱۱ میلیارد دلار نفتی برنگشته است

مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران گفت: تراستی‌های جدید را می‌شناسیم و می‌دانستیم که حتی برادرهایشان هم ریسک نمی‌کنند که به آنها پول قرض بدهند و تا رشف خوردیم که بطور میلیون‌ها دلار پول نفت کشور را به دست این افراد باشرکت‌های زیرپلهای داد‌ه‌اند و این افراد با پول نفت کشور یک شبه مالک خودروهای رولز رویس در امارات شدند و امروز با محافظت در دادرند و در طبقات پنت‌هاوس هتل‌های گران امارات زندگی می‌کنند. علی‌اکبر پورابراهیم، مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) در گفت‌وگو با ایلنا با افشاکری از پشت پرده تراستی‌های نفتی و دلیل سکوت دولت در برابر تراستی‌هایی که چندین میلیارد پول نفت کشور را تحویل ندادند، اظهار داشت: در ایران چند گروه تراستی شکل گرفته، یک گروه از تراستی‌ها خریداران نفت هستند که تعدادی از این تراستی‌ها نفت کشور را فروختند و پول آن را پس‌نیاورند. دسته دوم تراستی‌هایی هستند که پول نفت را دریافت‌و آن را در یک‌سری حساب منتقل می‌کنند. در این گروه هر چند خریدار نفت تعهد خود را انجام داده اما پول نفت را به یک حسابی منتقل کرده‌و ممکن است در این حساب که پول منتقل شده، سوءاستفاده‌ای صورت بگیرد. تراستی‌هایی که پول نفت را تحویل نده‌اند اغلب از این دسته دوم هستند و پول‌های نفتی که وصول شده اما در حساب واسطی رسوب کرده، مورد سوءاستفاده‌گر گرفته‌است. مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) تأکید کرد: اما دسته دیگر هستند که خالی‌خوانی می‌کنند، یعنی به دروغ می‌گویند پول نفت وصول و منتقل شده‌اما هیچ پولی وصول نشده‌است. در این فرآیند عملاً خریدار نفت با تراستی بانکی باهم تپانی می‌کنند و خریدار نفت از تراستی بانکی می‌خواهد که به دروغ تأییدیه انتقال پول را بدهد اما پول نفت را یک تا دو ماه دیگر به تراستی بانک تحویل بدهد و از این مدت زمان تاخیر در تحویل پول نفت در صدی از سودبین طرفین تقسیم می‌شود. پورابراهیم در پاسخ به این سوال که فساد در بین تراستی‌ها از چه زمانی آغاز شد، گفت: در دولت آقای روحانی پول فروش نفت به‌طور کلی در اختیار وزارت نفت قرار می‌گرفت به این معنا که وزارت نفت خودش تراستی ایجاد کرده‌بود و تراستی‌ها تحت کنترل خود وزارت نفت بودند و مشخصاً شرکت نیکو حساب‌هایی را ایجاد کرده بود و شرکت‌های تراستی در اختیار خود نیکو بود. این گونه نبود که تراستی‌ها مشخص ثالثی باشند که وزارت نفت بخواهد برای دریافت پول نفت کشور منت تراستی واسطی را بگیرد.

وی ادامه داد: در این فرایند وزارت نفت، پول نفت به‌طور مستقیم دریافت می‌کرد و این پول به‌طور مستقیم برای دارو و کالای اساسی هزینه می‌شد اما متأسفانه از دولت

رییس مدیریت راهبردی انرژی تأکید کرد

ضرورت عبور از تصدی‌گری و حرکت به سوی حکمرانی هوشمند انرژی

بهینه‌سازی مصرف انرژی باید از یک توصیه اخلاقی یا فرهنگی فراتر رفته و به یک سازوکار اقتصادی سودآور برای مردم و بخش خصوصی تبدیل شود. وی در این پیام افزود: کاهش مصرف انرژی زمانی پایدار خواهد بود که شهروندان و فعالان اقتصادی، منافع ملموس آن را در زندگی و کسب و کار خود مشاهده کنند. طراحی بازارهای بهینه‌سازی انرژی و استفاده از مشوق‌های مالی می‌تواند سرمایه‌های خرد و کلان را به این حوزه جذب کرده و وابستگی به واردات انرژی را کاهش دهد. سبقت‌افشانی بر ضرورت مشارکت فعال مردم در مدیریت انرژی تأکید کرد و یادآور شد: پایداری در



سیزدهم این رویه تغییر کرد که البته مادر این مقطع برای عدم تغییر این رویه بسیار تلاش و مبارزه کردیم و کشمکی طولانی بین وزارت نفت و گروهی ایجاد شد و در همان دوران اتهاماتی به ما زدند که می‌خواهید فروش نفت در انحصار تان باشد اما سطح زندگی ما کاملاً مشخص بود و تمام دریاقتی و درآمدهای ما شفاف و قابل رصد بود. مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) گفت: اما در نهایت انحراف در مسیر بازگشت پول نفت را ایجاد کردند و وزارت نفت را مجبور کردند که این تراستی‌های خود را تعطیل کند و تراستی‌های بانکی را ایجاد کردند و اعلام شد که وزارت نفت از این پس باید پول نفت را از این حساب‌ها دریافت کند. این تراستی‌ها هم زیر نظر بانک‌های تجاری کشور بودند که زیر نظر بانک مرکزی فعالیت می‌کردند.

وی درباره علت این تغییرات گفت: در آن مقطع، شبکه صرافان با این فرایند بر گشت پول نفت به کشور و اینکه وزارت نفت تراستی داشته باشد، بسیار مخالف بودند. این مخالفت هم به دو دلیل بود؛ اول اینکه ۳۰ الی ۴۰ میلیارد دلار پول از کسب و کار آنها خارج می‌شد در حالی که می‌توانستند کارمزد خوبی از این جابه‌جایی پول، نصیب خود کنند اما وزارت نفت با تراستی‌های خود این هزینه اضافی را حذف کرده و نهایت درصد جابه‌جایی پول نیم درصد بود و از سوی دیگر صرافی‌ها هم نمی‌توانستند درصد بالا ببرد چون سقف درصد دولت (۷۰ درصد) بود. نیم درصد بود. مدیرعامل اسبق شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) با بیان اینکه هر کسی که می‌توانست به کسی وصل شود و مجوز بگیرد تراستی و جابه‌جاکننده پول نفت شد، افزود: جابه‌جایی پول نفت این گونه است که تراستی‌ها می‌توانند با مدارک سی هویت حتی یک پاکستانی یا

تعاون

ولیعهد عربستان سعودی

روی باز کردن املاک مکه

به روی خریداران خارجی

شرط بندی می کند

قرار است بزرگ‌ترین هتل، کورتیا، به زودی افتتاح شود. العبار که شرکت بلندترین ساختمان جهان را در دومی ساخته است، گفت که توسعه‌دهندگان در مکّه باید از ساخت و ساز بیش از حد در بخش املاک و مستغلات لوکس خودداری کنند و رویکردی متعادل در توسعه داشته باشند. العبار که شرکت او، املاک اعصار، پیش از این واحدهای مسکونی برند را در نزدیکی مسجد ارامیه می‌داد، افزود: «پارچه‌ها باید قوی باشند و کلید آن مدیریت خوب عرضه و تقاضاست.» شهرداری مکّه برای ساخت هتل‌ها و خانه‌های جدید، مناطقی راخریب می‌کند که به گفته توسعه‌دهندگان، عمدتاً سکونتگاه‌های غیررسمی ساخته شده بدون مجوز بوده‌اند. دولت به ساکنان برای جابه‌جایی غرامت می‌دهد و برخی به‌شهر مجاور جده نقل مکان کرده‌اند. مکّه که محل زندگی بیش از دو میلیون نفر است، به عنوان شهری از بازرگانان عملگر شناخته می‌شود که قرن‌ها به کاروان‌ها خدمت کرده‌اند. اکثر ساکنان از افزایش فعالیت تجاری خبر می‌دهند و تغییرات را می‌پذیرند. پروژه‌های بزرگی نیز در مدینه، شهری که حضرت محمد(ص) از مکّه به آنجا مهاجرت کرده‌ود آنجا دفن شده است، در حال انجام است. این پروژه‌ها شامل پروژه ۱۴۰ میلیارد ریالی (۳۷ میلیارد دلاری) روا مدینه است که مسکن، دفاتر، مغازه‌ها و اتاق‌های هتل را اضافه خواهد کرد. در نزدیکی مسجد پیامبر، واحدی از صندوق سرمایه‌گذاری عمومی در حال برنامه‌ریزی برای ساخت دروازه ملک سلمان است، یک پروژه مسکونی جدید که قرار است سالانه ۵ میلیون هازار دیگر را در خود جای دهد. در همین حال، نایف العطای، مدیرعامل شرکت خانوادگی الدیارب العریبه، در حال ساخت حدود ۱۳ برج به ارزش نزدیک به ۱۰ میلیارد ریال است و می‌گوید: سرمایه‌گذاران غیرمنتظره‌ای از ایالات متحده و اروپا شروع به تماس با او کرده‌اند. العطای گفت: «وقتی در شهری سرمایه‌گذاری می‌کنید، نمی‌توانید بدانید که آن محله در نیم قرن آینده چگونه خواهد بود. مکّه همیشه قلب جهان اسلام باقی خواهد ماند.»

بورس میان ترس و اوزندگی

به نظر می‌رسد فعالان بازار زمانی که تکلیف نهایی وضعیت روابط ایران و امریکا و ریسک درگیری نظامی روشن نشود، تمایلی به بازگشت جدی به بازار نداشته باشند. این وضعیت بازار را در حالت انتظار و انفعال قرار داده حالتی که در آن، معاملات کهرمق، عرضه‌بر تقاضا غلبه دارد و هر خبر یا حتی یک توییت می‌تواند مسیر تحلیل‌ها را تغییر دهد. با این حال، سناریوهای پیش‌رو کاملاً متفاوت‌اند. اگر تنش‌ها به‌خیر ختم شود و سایه جنگ از سر بازار کنار برود، قیمت‌های فعلی، بسیاری از سهامی می‌تواند به عنوان کف‌های قیمتی بلندمدت تلقی شود. کف‌هایی که شاید در آینده به سودگی تکرار نشوند، در چنین سناریویی، بازار سرمایه می‌تواند با تنه‌ای به‌سود سودآوری شرکت‌ها و رافز جدیدی از رشد شود. اما در مقابل، اگر خدای نکرده جنگ رخ دهد، همین قیمت‌ها می‌توانند به سقف‌های کوتاه‌مدت تبدیل شوند و پس از آن، با تشدید خروج پول، بازار با افت‌های سنگین‌تری مواجه شود. به‌طور کلی می‌توان گفت امروز مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین ریسک بازار سرمایه، ریسک جنگ است. بازاری که چشم و گوشش به اخبار سیاسی، تحولات منطقه‌ای و سیگنال‌های دیپلماتیک دوخته شده و بیش از تحلیل صورت‌های مالی، به تئیر خبرها واکنش نشان می‌دهد. زمانی که این پیام‌گر بر ظرف رفت‌نش، انتظار بازگشت آرامش پایدار به بورس، چندان واقع‌بینانه نخواهد بود.

نرخ بهره بهینه

حلقه گمشده اقتصاد ایران

زمان نبرد با تورم مزمن (۱)

زمانی که دولت با کسری بودجه مزمن روبه‌رو است و دسترسی‌اش به منابع بیرونی محدود است، طبیعی است که تمایلی به افزایش نرخ بهره ندارد، زیرا هزینه استقرارش بالا می‌رود و تأمین مالی پروژه‌ها سخت‌تر می‌شود. از این‌رو، سیاست‌گذار پولی معمولاً مجبور است میان مقتضایات کنترل تورم و ملاحظات مالی دولت، یکی را قربانی کند و تقریباً همیشه کنترل تورم قربانی شده است. در طرف دیگر ماجرا، نظام بانکی قرار دارد که با انباشت دارایی‌های سمنی، وابستگی شدید به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی، مطالبات غیر جاری و عدم تطابق سررسید منابع و معارف مواجه است. این شبکه بانکی توان کافی برای انتقال نرخ‌های سود بالاتر به اقتصاد را ندارد و هر افزایش نرخ، خطر افزایش ترازای‌ها را بیشتر می‌کند. اتفاقی که در دهه نود در کشور افتاد و سیستم بانکی را دچار چالش عمده‌ای کرد. اینکه چرا بانک‌های ایران از افزایش نرخ بهره هراس دارند، ریشه در ساختار ترازنامه‌ای دارد که ظرفیت انقباضی را از آنها گرفته است. در چنین وضعیتی، حتی اگر بانک مرکزی بخواهد نرخ سیاستی را افزایش دهد، اثر آن در بهترین حالت محدود و شکننده خواهد بود، زیرا بانک‌ها توان اعمال آن بر رفتار اعتباری و نرخ‌های سود را ندارند. بالا بردن نرخ بهره در چنین ساختاری می‌تواند به تشدید ناترازی‌ها و حتی تهدید پایداری مالی منجر شود. بنابراین بانک‌ها مقاومت ساختاری در برابر نرخ‌های بهره بالاتر دارند و ظرفیت بخش خصوصی در حوزه بهینه‌سازی انرژی بسیار محدود است. این وضعیت باعث می‌شود حتی اگر بانک مرکزی نرخ سود سیاستی را افزایش دهد، اثر آن به سختی از درجه سیستم بانکی به فعالان اقتصادی منتقل شود. (ادامه دارد)

دکترای اقتصاد و پژوهشگر

در حوزه انرژی، این موضوع را مطرح کرد که دولت باید از تصدی‌گری مستقیم فاصله گرفته و امور اجرایی را به مردم و بخش خصوصی توانمند واگذار کند. نقش اصلی دولت در این مسیر، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و رفع موانع برای حضور پررنگ شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی، ابزارهای هوشمند، ساز و کارهای شفاف و پلتفرم‌های مشارکتی از الزامات تحقق این هدف عنوان شد؛ زیرساخت‌هایی که امکان نقش‌آفرینی واقعی خانوارها، صنایع کوچک و کسب‌وکارهای محلی را در زنجیره ارزش انرژی فراهم می‌کند. سباق در این پیام با تأکید بر تغییر نقش دولت